

Roadmap of government policy for knowledge-based and job-creating production based on the menus of the highest leadership position; A Mixed Approach

Ahad Norouzzadeh

Assistant Professor, Department of Management, Garmsi Branch, Islamic Azad University, Garmsi, Iran.
Ahad.Norouzzadeh@iau.ac.ir

Abstract

Purpose: One of the most significant issues in the economic sector is the emphasis on knowledge-based or knowledge-focused companies, which are established to align with the development of a knowledge-based economy and to achieve the country's objectives across various fields.

Firms that can foster sustainable development and create a competitive advantage for the country by leveraging knowledge and technology in the realm of enhancing economic power and expanding commercial opportunities. In this context, the objective of the present study is to develop a roadmap for government policymaking that promotes knowledge-based and job-creating production, in accordance with the directives of the Supreme Leader, utilizing both qualitative and quantitative approaches.

Method: This research is exploratory in purpose and descriptive in nature, and it was conducted using a field method. The statistical population in the qualitative phase of this study consisted of 30 experts and professors from universities in Ardabil Province. These individuals were selected using a purposive sampling method (theoretical sampling) and a chain referral method (snowball sampling). After reaching theoretical saturation during the interviews, the coding process was initiated. In the quantitative phase, all employees of knowledge-based companies and the Science and Technology Park in Ardabil Province were included. According to the Morgan table, a statistical sample of 155 individuals was determined and studied using a stratified random sampling method. Additionally, data collection for this research was conducted in the initial stage through in-depth and semi-structured interviews. The data collection tool used in the second stage was a researcher-designed questionnaire featuring closed-ended responses on a Likert scale. This questionnaire was developed based on the indicators outlined in the government policy roadmap for knowledge-based and employment-generating production, which were identified in the first stage. To analyze the questions in the first stage, structural codes were collected using a data-driven approach, employing three coding methods: open, axial, and selective coding. These codes were examined using MaxQDA software. In the second stage, the generalized least squares method, along with bootstrapping or jackknife resampling, was utilized in Smart PLS software to assess the fit of the model derived from the first stage. Finally, the fit

Cite this article: Norouzzadeh, A. (2024). Roadmap of government policy for knowledge-based and job-creating production based on the menus of the highest leadership position; A Mixed Approach. *Sciences and Techniques of Information Management*, 10(2): 185-208. <https://doi.org/10.22091/stim.2023.9601.1972>

Received: 2023-06-23 ; **Revised:** 2023-08-06 ; **Accepted:** 2023-08-23 ; **Published online:** 2024-06-25

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: University of Qom.



indices—NPAR, DF, P, CMIN (Chi-Square), AGFI, GFI, Tucker-Lewis Index (TLI), Bentler-Bonnet Index (NFI), CFI, PNFI, PCFI, RMSEA, and CMIN/DF—were employed to validate the model, ensuring a good fit for the presented framework.

Findings: The dataset obtained through a continuous process of open, axial, and selective coding, utilizing MaxQDA software, was organized into 104 open codes, 62 concepts, 14 categories, and 6 axial categories (intervening conditions, causal conditions, contextual conditions, strategies, and consequences) based on a systematic approach. According to the results obtained for the fit indices, the Comparative Fit Index (CFI), Incremental Fit Index (IFI), Goodness of Fit Index (GFI), and Normed Fit Index (NFI) demonstrate a good fit. Additionally, the root mean square error of estimation was 0.066, which is below the threshold of 0.08. Consequently, the model's fit was assessed as favorable, indicating that the results obtained from it can be considered reliable.

Conclusion: Based on the research findings and the output from the Smart PLS software, the index "Identifying Potential and Actual Issues and Problems Related to Knowledge-Based Companies, with a path coefficient of 0.892, was identified as the most significant and influential index in the developed roadmap. Among the indicators related to causal factors, the index "Increasing Human Resource and Production Productivity (el7) was identified as the most significant and influential index, with a path coefficient of 0.804. The most important index within the category-oriented component is "Facing Unexpected Challenges and Having a Plan a path coefficient of 0.850. The most significant index within the contextual categories was the "Existence of Expert Human Resources, Digital Platform, and Digital Customer a path coefficient of 0.809. In the strategies category, the most critical indicator was the "Identification of General Issues in Knowledge-Based Production by the Responsible Institutions with a path coefficient of 0.865. Finally, based on the research findings, the most important indicator in the outcomes category was the "Improvement of General Satisfaction with Knowledge-Based Production a path coefficient of 0.868.

Keywords: Knowledge-based production, Government Policy, Roadmap, Knowledge-Based Companies.



نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری: رهیافتی آمیخته

احد نوروز زاده

استادیار، گروه مدیریت، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران. Ahad.Norouzzadeh@iau.ac.ir

چکیده

هدف: یکی از مسائل بسیار مهم در حوزه اقتصادی، توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان یا شرکت‌های متمرکز بر دانش است که در راستای توسعه اقتصاد دانش‌محور و تحقق اهداف کشور در حوزه‌های مختلف ایجاد می‌شوند. بنگاه‌هایی که می‌توانند با بهره‌گرفتن از دانش و فناوری در حوزه تقویت قدرت اقتصادی و گسترش حوزه تجاری، توسعه پایدار ایجاد کرده و مزیت رقابتی برای کشور بدنبال داشته باشند. در این راستا، هدف پژوهش حاضر طراحی نقشه راهی برای خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری با دو رویکرد کیفی و کمی است.

روش: این تحقیق از لحاظ هدف، اکتشافی و از لحاظ نوع، توصیفی است که به روش میدانی اجرا گردید. جامعه آماری در مرحله کیفی که از روش داده‌بنیاد استفاده شده است، ۳۰ نفر از خبرگان و اساتید دانشگاه‌های استان اردبیل بودند که به روش هدفمند (نمونه‌گیری نظری)، با روش ارجاع زنجیره‌ای (روش گلوله برفی) انتخاب شدند و بعد از اشباع نظری در مصاحبه، فرآیند کدگذاری انجام گرفت. در بخش کمی نیز، کلیه کارکنان شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک علم و فناوری استان اردبیل بودند که مطابق جدول مورگان تعداد ۱۵۵ نفر به عنوان نمونه آماری بدست آمد و براساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. همچنین گردآوری اطلاعات این پژوهش در مرحله اول، از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در مرحله دوم پرسشنامه محقق‌ساخته (بازطراحی شده) با پاسخ بسته (طیف لیکرت) بود که براساس شاخص‌های نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین، مستخرج از مرحله اول تنظیم شده است. برای تجزیه و تحلیل سوالات در مرحله اول، کدهای ساختاری با روش داده‌بنیاد و به سه روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی جمع‌آوری شده و بوسیله نرم‌افزار MaxQDA مورد بررسی قرار گرفتند و در مرحله دوم نیز برای بررسی برازش مدل به دست آمده از مرحله اول، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته و خودگردان‌سازی (بوت استرپینگ) یا برش جک-تایف در نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است. در نهایت از شاخص‌های برازش R^2 , Q^2 , NP , DF , $CMIN$ (Chi Square), $AGFI$, GFI , شاخص توکر-لوییس (TLI)، شاخص بنتلر-بونت (NFI)، $PCFI$, $PNFI$, CFI و $RMSEA$ جهت اعتبارسنجی مدل (برازش مناسب مدل ارائه شده) استفاده گردید.

استناد به این مقاله: نوروز زاده، احد (۱۴۰۳). نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم

رهبری: رهیافتی آمیخته. *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*. ۱۰(۲): ۱۸۵-۲۰۸. <https://doi.org/10.22091/stim.2023.9601.1972>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵

ناشر: دانشگاه قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



یافته‌ها: مجموعه داده‌های بدست آمده بعد از طی فرآیند مستمر کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی و استفاده از نرم‌افزار MaxQDA، در قالب ۱۰۴ کد باز، ۶۲ مفهوم، ۱۴ مقوله و ۶ طبقه (مقوله محوری، شرایط مداخله‌گر، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها، پیامدها) براساس رویکرد سامان‌مند سازماندهی شدند. طبق نتایج به دست آمده برای شاخص‌های برازش، شاخص‌های CFI، IFI، GFI و NFI دارای برازش مناسبی هستند. همچنین ریشه میانگین مربعات خطای برآورد نیز ۰/۰۶۶ بدست آمده که کمتر از ۰/۰۸ می‌باشد. بنابراین، برازش مدل، مطلوب ارزیابی شده و می‌توان به نتایج حاصل از آن اتکاء نمود.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج حاصل از پژوهش و خروجی نرم‌افزار Smatr PLS، شاخص «شناسایی مسائل و مشکلات بالقوه و بالفعل مربوط به شرکت‌های دانش‌بنیان» با ضریب مسیر ۰/۸۹۲ به‌عنوان مهم‌ترین و اثرگذارترین شاخص در نقشه راه طراحی‌شده شناسایی گردید. از بین شاخص‌های مربوط به عوامل علی، شاخص «افزایش بهره‌وری منابع انسانی و تولید» (el7) به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شاخص با ضریب مسیر ۰/۸۰۴ شناسایی شد. مهم‌ترین شاخص مؤلفه مقوله محوری، شاخص «رویارویی با چالش‌های غیرمنتظره و داشتن برنامه» (me5) با ضریب مسیر ۰/۸۵۰ می‌باشد. مهم‌ترین شاخص مقوله‌های زمینه‌ای نیز شاخص «وجود نیروی انسانی خبره، بستر دیجیتال و مشتری دیجیتال» (za8) با ضریب مسیر ۰/۸۰۹ معرفی شد. مهم‌ترین شاخص مقوله راهبردها نیز شاخص «شناسایی مسائل عمومی تولید دانش‌بنیان توسط نهادهای متولی» (ta4) با ضریب مسیر ۰/۸۶۵ بود. در نهایت با توجه به نتایج پژوهش، مهم‌ترین شاخص مقوله پیامدها نیز شاخص «ارتقای رضایت عمومی از تولید دانش‌بنیان» (p5) با ضریب مسیر ۰/۸۶۸ شناسایی شد.

کلیدواژه‌ها: تولید دانش‌بنیان، خط‌مشی‌گذاری دولتی، نقشه راه، شرکت‌های دانش‌بنیان، استان اردبیل.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها و مؤلفه‌ها برای استفاده مطلوب از نیروی انسانی در هر کشوری، اشتغال افراد در فعالیت‌ها و مشاغل مختلف می‌باشد. حوزه اشتغال از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که در جهت ایجاد یک جامعه توسعه‌یافته باید مورد توجه تصمیم‌گیران قرار بگیرد؛ چراکه از شرایط لازم برای ایجاد رشد و توسعه پایدار، ایجاد اشتغال در جامعه است (خورسند و همکاران، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، محور توسعه پایدار و اشتغال در اقتصادهای امروزی که عمدتاً دانش‌بنیان هستند، بر تولید پایدار و مبتنی بر دانش متمرکز است. تولید و اشتغال دانش محور از ارکان اساسی در اقتصادهای دانش‌بنیان محسوب می‌شود و توجه به این موضوع در کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه در کانون توجه قرار دارد (روتلب و کلیبرت^۱، ۲۰۲۲). اقتصاد دانش محور و در بیانی دیگر دانش‌بنیان در همه کشورها پیش‌نیاز رشد، توسعه پایدار و پیشرفت آن کشورها است و جوامعی که در زمینه تولید دانش محور به جای منبع محور سرمایه‌گذاری کرده‌اند، دوچندان موفق بوده‌اند (کورانتین^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، امروزه گذر از اقتصادهای منبع محور و مواد محور به سمت اقتصادهای دانش‌بنیان در تمام جوامع بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌شود. امروزه اقتصاد دانش‌بنیان در استراتژی‌های توسعه ملل جای خود را به خوبی باز کرده و گویای تأکید فراوان بر نقش علم، دانش و فناوری در جریان تولید، اشتغال و توسعه اقتصادی است. به همین دلیل می‌توان گفت که در اقتصادهای دانش‌بنیان به مفهوم دانش چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، از هر زمان دیگری، بیشتر به آن اهمیت داده می‌شود (کشاورزبان و همکاران، ۱۳۹۸).

تحولات انکارناپذیری که در چند دهه اخیر در دنیا رخ داده، دولت‌ها را بر آن داشته که به دنبال حل معضلات موجود و همچنین مشکلات مورد انتظار در آینده باشند. در کشور ما نیز یکی از مهم‌ترین محورهایی که در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به آن توجه خاصی شده، پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان است. در همین راستا، مقام معظم رهبری نیز در یک دوراندیشی خردمندانه و مقابله با طرح‌های دشمنان انقلاب در حوزه اقتصادی، ارتقاء و پیشرفت جایگاه کشور را به عنوان یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی تعریف نمودند. بنابراین، یکی از شاخص‌های مهم در این زمینه، تولید دانش‌بنیان در جامعه است. نگاه ژرف ایشان در این بیانیه و بیان موضوعاتی که هویت و سیر کمال‌یافته انقلاب اسلامی را تبیین، و آینده‌ای با اهداف متعالی مشخص و افق روشن را در برابر آنان قرار می‌دهد؛ نگاه موضوعی و مطالعات مسأله‌محور و تکالیف ایجاد شده، وضوح و شناخت

1. Rottleb & Kleibert

2. Kurantin

سرفصل‌های جنبش و جهش نظام انقلابی در گام دوم انقلاب، ویژگی ممتاز بیانیه می‌باشد که درک و همت مضاعف همگان را می‌طلبد. در همین راستا کارآفرینی و ایجاد اشتغال پایدار از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر در این راه مورد استفاده قرار گیرد. شرکت‌های دانش‌بنیان با استفاده از نتایج علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها به ارائه محصولات و خدمات جدید در صنعت و بازار کار می‌پردازند. ایجاد اشتغال و تولید ثروت از علم، از نکات قابل ملاحظه شرکت‌های دانش‌بنیان است. این شرکت‌ها از جمله مؤثرترین اقدامات انجام شده در زمینه ارتباط دانشگاه و صنعت به‌شمار می‌روند و از عوامل مختلفی از جمله خط‌مشی‌های دولتی تأثیر می‌پذیرند.

از دیدگاه آسیب‌شناسی، قانون حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان، از منظر سازوکارهای اجرایی با چالش‌های اجرایی متعددی نظیر ضعف سازوکارهای لازم برای جلوگیری از فساد و رانت در قانون شرکت‌های دانش‌بنیان، رویکرد تصدی‌گرایانه دولت به جای رویکرد حاکمیتی، رقابت میان دستگاه‌های دولتی به جای همکاری و ضعف در جلب مشارکت نهادهای مختلف ملی در اجرای قانون مواجه است. لذا، با توجه به ایجاد بستر قانونی لازم در طی سال‌های اخیر در کشور جهت حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، شواهد و قوانین بیانگر آن است که اجرای قانون با موفقیت همراه نبوده و تحقق اهداف آن چندان قابل توجه نیست. علی‌رغم اینکه براساس سیاست‌های کلی علم و فناوری در افق ۱۴۰۴، سهم تعیین شده تولید ناخالص داخلی از فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ۵۰ درصد پیش‌بینی شده است، لیکن سهم فعلی شرکت‌های مذکور از تولید ناخالص داخلی نیم درصد است (باقرنژاد و همکاران، ۱۳۹۷). از سوی دیگر، ایجاد اشتغال و تولید ثروت از علم، از طریق تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت و همچنین تجاری‌سازی اختراعات و محصولات، از مهم‌ترین رسالت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان محسوب می‌شوند و موفقیت این شرکت‌ها در تحقق این رسالت‌ها، به عوامل و متغیرهای بسیاری بستگی دارد که یکی از این متغیرها، اجرای خط‌مشی‌های حمایتی دولت از مؤسسات دانش‌بنیان است (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است نقشه راهی برای خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری ارائه دهد. پژوهش حاضر بر ارائه الگوی توسعه‌یافته‌ای تمرکز دارد که ضمن کاهش نقاط ضعف الگوهای پیشین، با ارائه خط‌مشی‌های مورد نیاز برای حمایت از کسب‌وکار دانش‌بنیان، اولویت‌بندی نقش هر یک از آنها در این توسعه را نشان دهد؛ به‌گونه‌ای که شاهد هم‌افزایی میان این خط‌مشی‌ها باشیم.

در این راستا، سوالات پژوهش به این شرح است:

۱) شاخص‌های مؤثر در خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس

منویات مقام معظم رهبری کدامند؟

۲) عوامل مؤثر در خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری کدامند؟

۳) مدل بهینه برای تبیین این عوامل و شاخص‌ها چگونه است؟

۴) اعتبارسنجی مدل ارائه شده چگونه امکان‌پذیر است؟

خط‌مشی‌گذاری مجموعه اقداماتی است که دولت‌ها با استفاده از آن و برای دست یافتن به نتایج و ایجاد تغییرات مطلوب در یک نظام خاص، ایده‌های خود را به فعالیت‌های قابل اجرا تبدیل می‌کنند. تمرکز اساسی خط‌مشی‌گذاری، بررسی تعامل با جامعه هدف می‌باشد که این مجموعه اقدامات در مراحل مختلفی از جمله شناخت و فهم مسئله موردنظر، طراحی مسأله و شکل‌گیری آن، امکان‌پایه‌سازی، امکان‌ارزیابی و تغییر و اصلاح خط‌مشی‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد (باقری و پورعزت، ۱۳۹۲). خط‌مشی‌گذاری تصمیمی است که در یک قالب و در جهت حل یک مشکل عمومی اتخاذ می‌گردد. اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که خط‌مشی‌گذاری صرفاً اتخاذ یک تصمیم نیست، بلکه مجموعه اقداماتی است که از لحظه وقوع مشکل شروع شده و به ارزیابی نتایج حاصل از اجرای فرآیند خط‌مشی‌گذاری ختم می‌شود. خط‌مشی‌های دولتی به طور کلی جهت‌گیری‌هایی به‌شمار می‌روند که کیفیت مجموعه اقدامات مؤسسات دولتی و همچنین سازمان‌ها را مشخص کرده و در جهت حل یک مشکل و مسأله‌ای عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند. خط‌مشی‌گذاری دولتی نشان‌دهنده انتظارات بخش‌های مختلف یک سازمان است که در فرآیندهای مربوط به تصمیم‌گیری در آن سازمان به شکل بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و یا قوانین و مقررات اجرایی نمایان می‌گردد. بنابراین در یک سازمان دولتی، خط‌مشی‌ها، سازمان را در مسیر تحقق اهداف سازمانی یاری می‌کنند (دی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). به‌طور کلی، هر آنچه که در سازمان‌ها درباره آنها تصمیم‌گیری می‌شود و به انجام می‌رسد و یا از اجرای آنها ممانعت می‌شود، تحت عنوان خط‌مشی‌گذاری یاد می‌شود (کاظمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸). خط‌مشی‌ها، تعیین‌کننده محدوده‌ای است که تصمیم‌های آینده باید در داخل آن لحاظ شود. مدیران عالی هر سازمان نقش کلیدی و اساسی در تعیین خط‌مشی‌های کلی در یک سازمان دارند و چگونگی اجرای همه برنامه‌های سازمانی توسط همین خط‌مشی‌گذاری تعیین می‌گردد. ضمن اینکه مشارکت تمامی مردم از جمله گروه‌ها، احزاب، نخبگان و... برای تحقق آن موردنیاز است (رمضان‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). از سوی دیگر،

خط‌مشی باید از صراحت، وضوح، قابلیت اجرا، انعطاف‌پذیری، جامعیت، هماهنگی و مستدل بودن برخوردار باشد. در فرآیند عقلایی، تصمیم‌ها و خط‌مشی‌ها حاصل گزینش‌های منطقی و رفتار عقلایی خط‌مشی‌گذاران می‌باشد. فرض اساسی در این فرآیند انتخاب راه‌هایی است که حداکثر یا حد مطلوب بازده را دارند. به‌طور کلی، خط‌مشی‌گذاری محصول بازی‌های قدرت و دادوستدهای سیاسی است، در واقع خط‌مشی‌گذاری فرآیندی سیاسی و مبتنی بر قدرت تلقی می‌شود. در یک تعبیر دیگر، خط‌مشی‌گذاری در سازمان به‌مانند یک چرخه در سازمان است که در آن سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها توسط سازمان و عناصر ستادی تعیین و بوسیله کارکنان اجرایی شده، در نهایت با موفقیت و یا شکست سازمان پایان می‌پذیرد و از لحاظ منطقی نیز مبتنی بر دو مقدمه، مقدمه تبیینی و توصیفی و همچنین مقدمه هنجاری و ارزشی است که برای همه سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌ها صادق است (کاظمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸). مهم‌ترین منابع جهت نقد خط‌مشی‌گذاری‌ها نیز قانون اساسی کشور، قوانین مرتبط با موضوع، ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه، فلسفه وجودی سازمان، اخلاق و ایدئولوژی سیاسی حاکم بر جامعه می‌باشد که کارآمدی آن نیز محصول فراگیری علم و دانش و بکارگیری آن در حوزه‌های مختلف است. به عبارت دیگر، هر اندازه از علوم و تخصص‌های مختلف در فرآیند خط‌مشی‌گذاری استفاده گردد، به همان اندازه کارایی آن نیز بهتر خواهد شد که در نتیجه آن، مزایای مستقیم و غیرمستقیم متعددی از جمله دسترسی به اطلاعات بیشتر و با کیفیت بالاتر، اجرای مطلوب برنامه‌ها و سیاست‌ها، بهره‌وری بیشتر نیروی کار و استفاده کارآمدتر از منابع عاید سازمان می‌شود (وان در گور^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). نکته مهم دیگری که باید آن را در نظر داشت، این است که همواره نارضایتی‌ها و نیازهایی نیز در سازمان‌ها وجود دارد که هیچ‌گاه به دستور کار خط‌مشی‌گذاران تبدیل نمی‌شود. بنابراین، تبدیل همه نارضایتی‌ها و نیازها به مسأله‌ای برای ایجاد خط‌مشی‌گذاری یک تصمیم حیاتی است که در سازمان باید گرفته شود. خط‌مشی‌گذاری خودبه‌خود بوجود نمی‌آید و راهکارها و دستورالعمل‌هایی برای ایجاد آن وجود دارد که در سازمان با کمک افراد سازمانی و همچنین گروه‌های ذینفع، سازماندهی شده و به کار گرفته می‌شود (چارماز^۲، ۲۰۱۴).

۲. پیشینه پژوهش

باقرنژاد و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «شناسایی و ارزیابی عوامل موثر بر اجرای موفق خط‌مشی عمومی حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان در کشور»، نشان دادند که میزان

1. Van de Goor

2. Charmaz

موفقیت در اجرای خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان در سطح مطلوب نبوده است. همچنین چند عامل اثرگذار بر اجرای موفق خط‌مشی مورد مطالعه شناسایی شد که در قالب دو عامل «نظام‌یافتگی فنی و اجتماعی اجراء» و «پشتوانه محتوایی و عینی اجرا» تجمیع شدند که عامل اول بر اجرای موفق خط‌مشی حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان تاثیر داشته است.

قاسمی و همکاران (۱۳۹۷)، نیز در بررسی الزامات دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان در سطح کلان و به طور مشخص چارچوب‌های حقوقی لازم برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، نشان دادند که ساختار اقتصادی و نهادی موجود در کشور باید تقویت گردد. همچنین میزان وضعیت فناوری در کشور با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارد و این شاخص نیز باید تقویت گردد.

کشاوریان و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی جهت طراحی الگوی کارآفرینی دیجیتال در شرکت‌های دانش‌بنیان، دریافتند که دانش و مهارت دیجیتال، ایجاد چشم‌اندازهای بازاریابی، مالکیت فکری و همچنین اشتغال‌زایی و ایجاد شغل، عوامل رقابتی و مشتریان، توسعه فناوری، قابلیت‌های پویا، شرایط بازار و نوآوری، فروش بیشتر و توسعه خدمات مختلف دیجیتال از مهم‌ترین شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی هستند که در الگوی موردنظر شناسایی شدند.

کریمی طرارانی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «الگوی خط‌مشی‌گذاری پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان در نظام نوآوری»، نشان دادند که وجود شبکه خارجی، عوامل نهادی، عوامل سازمانی و عوامل برون‌سازمانی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در خط‌مشی‌گذاری برای شرکت‌های دانش‌بنیان هستند.

باقرصاد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «سیاست‌گذاری مبتنی بر اکوسیستم کارآفرینی و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان»، دریافتند که سیاست‌های دسترسی به مراکز تحقیق و توسعه، سیاست‌های بازار و مشتریان، سیاست‌های قانون‌گذاری کارآمد، سیاست‌های خدمات مشاوره‌ای و سیاست‌های تسهیلات مالی، مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری هستند.

کریمی طرارانی و همکاران (۱۳۹۹)، نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان بر بروندهای آن‌ها با نقش میانجی کارآفرینی فناورانه» دریافتند که ایجاد انگیزه، ایجاد زیرساخت، ایجاد فرصت کسب‌وکار، توسعه ظرفیت‌ها، جذب سرمایه، فرهنگ و کارآفرینی فناورانه از عوامل مؤثر در خط‌مشی‌گذاری پارک‌های علم و فناوری هستند.

کهن‌خاکی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با ارائه الگوی تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین،

نشان دادند که آموزش کارآفرینانه می‌تواند بر تولید دانش تخصصی و علمی تأثیر مثبت بگذارد. دانش تخصصی و علمی نیز به صورت معناداری بر تولید دانش بنیان تأثیر می‌گذارد که از این طریق می‌توان به یکی از اهداف کلان اقتصادی که اشتغال‌آفرینی است، دست یافت.

نوروز زاده و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با هدف آسیب‌شناسی خط‌مشی‌گذاری عمومی با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب و الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت با دو رویکرد کیفی و کمی، نشان دادند که ساختارهای سازمانی، ماهیت عدالت‌طلبی، درک اقتصاد مقاومتی، شناخت عقاید و احکام، توجه به رضایت الهی و خشنودی ملت، توجه به خط‌مشی‌گذاری موعودگرا، شایسته‌گزینی مبتنی بر اهلیت، فرهنگ سازمانی و عمومی و باورهای مدیران و خط‌مشی‌گذاران، مهم‌ترین آسیب‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی به‌شمار می‌روند.

عباسی و دانش‌فرد (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «الگوی مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی)»، دریافتند که مشارکت شهروندان در شناسایی مسائل عمومی دارای سه بُعد اصلی مشاوره، شراکت و توانمندسازی می‌باشد که می‌تواند به بهبود شرایط خط‌مشی‌گذاری و استفاده از آن کمک کند.

انگیزی‌قدس و همکاران (۱۴۰۱)، نیز در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان»، نشان دادند که عوامل سازمانی، اجتماعی، مدیریتی، ارتقاء مشارکت کارکنان، عوامل محیطی، عوامل قانونی، عوامل داخلی و خارجی، عوامل فردی و سازمانی و اجتماعی به عنوان عوامل مؤثر در الگوی خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان هستند.

کیم و لی^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان «تفاوت بین تاثیرگذاری دانش علمی و دانش تکنولوژیک بر رشد اقتصادی» نشان دادند که دانش به عنوان یک مؤلفه تاثیرگذار بر رشد تولید ناخالص ملی، دارای اثر مثبت و معنی‌دار است، بنابراین، شرکت‌هایی که بر محور دانش‌بنیادی هستند، زمینه‌های خوب و مطلوبی برای اشتغال بوجود می‌آورند.

ای‌شولا^۲ و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان «نقش قانون‌گذاران در تنظیم دستور کار خط‌مشی‌گذاری عمومی» دریافتند که قانون‌گذاران باید از طریق همکاری با سایر ذی‌نفعان جامعه مانند سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، گروه‌های جامعه مدنی، رسانه‌ها و اندیشکده‌ها، مسائل عمومی را شناسایی و خط‌مشی‌گذاری کنند.

1. Kim & Lee

2. Ishola

فیشر^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان «سیاست‌های مالیاتی در گذار به اقتصاد دانش‌بنیان»، دریافتند که در شرکت‌های دانش‌بنیان، دیجیتالی‌سازی تحرک سرمایه و نیروی کار را افزایش می‌دهد و کاهش نرخ مالیات شرکت‌های مذکور تأثیر مستقیمی در بهبود این روند دارد. بنابراین، براساس یافته‌های این پژوهش نرخ مالیات این نوع از شرکت‌ها سریعاً باید کاهش یابد.

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که در راستای تدوین و اجرای خط‌مشی‌گذاری‌های دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین در شرکت‌های دانش‌بنیان، عوامل مختلفی ازجمله عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تأثیرگذار هستند. در این پژوهش‌ها با توجه به تعریف و یا مفهومی که مورد بررسی قرار گرفته، معیارها و شاخص‌های مختلفی در نظر گرفته شده که بیشتر نقش و جایگاه این نوع شرکت‌ها بررسی شده است؛ در حالی که عدم توجه به اصل خط‌مشی‌گذاری‌های دولتی با رویکرد تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین در این مطالعات دیده نمی‌شود که بر همین اساس خلاء مطالعاتی در این عرصه بیشتر احساس می‌شود. خط‌مشی‌گذاری برای شرکت‌های دانش‌بنیان، پدیده‌ای وسیع و گسترده است که معلول یک‌سری شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشور است. بهره‌گیری از مدلی جامع برای خط‌مشی‌گذاری شرکت‌های دانش‌بنیان این امکان را فراهم می‌کند تا با آگاهی از کلیه ابزارهای مربوط، به تعیین و اجرای کامل اولویت‌ها و راهبردها پرداخته شود. نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با سایر مطالعات در این است که مدل ارائه شده، مدلی جامع و مبتنی بر عمل بوده که همزمان کوشیده است به اکثر مؤلفه‌های مؤثر در فرآیند خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین توجه کند و از این‌رو توانسته در پیوند نظریه و عمل، مربوط به فرایند خط‌مشی‌گذاری، گامی هرچند کوچک بردارد. همچنین وجه تمایز مدل ارائه شده در این پژوهش نسبت به چارچوب‌های موجود در زمینه تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین، این است که در چارچوب‌های موجود به طور عمده فقط به فرآیندها توجه شده، در حالی که در پژوهش حاضر، علاوه بر توجه به راهبردها و پیامدها، به عوامل تأثیرگذار در خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین، ازجمله عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر نیز تأکید شده است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف ترسیم نقشه راهی برای خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری با دو رویکرد کیفی (داده‌بنیاد) و کمی (روش مدل‌سازی معادلات ساختاری) انجام شده است. این تحقیق از لحاظ هدف، اکتشافی و از لحاظ

نوع، توصیفی است که به روش میدانی اجرا گردید. جامعه آماری در مرحله کیفی ۳۰ نفر از خبرگان و اساتید دانشگاه‌های استان اردبیل بودند که به صورت هدفمند (نمونه‌گیری نظری) و با روش ارجاع زنجیره‌ای (روش گلوله برفی) انتخاب شدند و بعد از اشباع نظری در مصاحبه، فرآیند کدگذاری انجام گرفت. در بخش کمی نیز، کلیه کارکنان شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک علم و فناوری استان که مطابق جدول مورگان تعداد ۱۵۵ نفر بدست آمد، به عنوان نمونه آماری و براساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. همچنین گردآوری اطلاعات این پژوهش در مرحله اول، از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در مرحله دوم نیز پرسشنامه محقق‌ساخته (بازطراحی شده) با پاسخ بسته (طیف لیکرت) بود که براساس شاخص‌های نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین مستخرج از مرحله اول تنظیم گردیده است. برای بررسی روایی پرسشنامه مورد استفاده، از روش فورنل و لاکر^۱ و پایایی آن از آلفای کرونباخ و سایر شاخص‌ها استفاده شده که نتیجه آن در جدول (۱ و ۲) آمده است. مدل ارائه شده در این پژوهش در بخش کمی مورد آزمون و برازش هم قرار گرفته که از این حیث به نوعی این پژوهش را نسبت به سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند.

جدول ۱- بررسی روایی واگرا و همگرای مؤلفه‌های نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی
برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری

ابعاد	AVE	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
تولید دانش‌بنیان	۰/۵۷۹	۰/۶۲۷													
اشتغال‌زایی	۰/۵۳۹	۰/۵۴۲	۰/۵۷۸												
آینده‌نگری	۰/۵۶۸	۰/۵۶۹	۰/۵۷۸	۰/۵۹۲											
توانمندی	۰/۵۶۱	۰/۵۷۱	۰/۵۷۷	۰/۶۰۲	۰/۶۱۲										
منابع مالی	۰/۵۷۷	۰/۵۸۱	۰/۵۹۴	۰/۵۹۶	۰/۶۰۴	۰/۶۱۷									
ساختاری	۰/۵۲۹	۰/۵۳۱	۰/۵۴۳	۰/۵۶۷	۰/۵۷۲	۰/۵۸۰	۰/۶۰۳								
بهره‌وری	۰/۶۰۷	۰/۶۰۹	۰/۶۱۵	۰/۶۲۲	۰/۶۳۱	۰/۶۳۷	۰/۶۳۹	۰/۶۵۷							
عوامل محیطی	۰/۵۴۹	۰/۵۵۴	۰/۵۶۴	۰/۵۶۷	۰/۵۷۸	۰/۵۸۱	۰/۵۸۳	۰/۶۰۱							
کارآفرینی دیجیتال	۰/۶۰۳	۰/۶۱۳	۰/۶۱۸	۰/۶۲۲	۰/۶۲۷	۰/۶۳۷	۰/۶۴۲	۰/۶۴۴	۰/۶۶۳	۰/۶۷۹					
شایستگی‌های فردی	۰/۵۷۸	۰/۵۸۶	۰/۵۹۷	۰/۶۰۱	۰/۶۰۷	۰/۶۱۴	۰/۶۲۳	۰/۶۲۸	۰/۶۳۰	۰/۶۳۴	۰/۶۵۲				
توانمندسازی مدیران	۰/۵۲۷	۰/۵۴۱	۰/۵۴۵	۰/۵۵۳	۰/۵۵۷	۰/۵۶۴	۰/۵۶۸	۰/۵۷۲	۰/۵۸۸	۰/۵۹۱	۰/۶۰۳	۰/۶۱۷			
نگرش سیستمی	۰/۵۵۴	۰/۵۷۱	۰/۵۷۸	۰/۵۸۱	۰/۵۸۶	۰/۵۸۸	۰/۶۰۴	۰/۶۱۱	۰/۶۱۷	۰/۶۲۰	۰/۶۲۳	۰/۶۲۴	۰/۶۳۹		
توسعه منابع انسانی	۰/۵۹۱	۰/۶۰۲	۰/۶۰۴	۰/۶۰۹	۰/۶۱۷	۰/۶۱۹	۰/۶۲۲	۰/۶۲۳	۰/۶۲۵	۰/۶۳۱	۰/۶۳۷	۰/۶۴۵	۰/۶۵۶	۰/۶۶۲	
توسعه حرفه‌ای	۰/۵۴۸	۰/۵۵۲	۰/۵۶۱	۰/۵۶۴	۰/۵۶۷	۰/۵۷۶	۰/۵۷۹	۰/۵۹۱	۰/۵۹۵	۰/۶۰۵	۰/۶۰۹	۰/۶۱۴	۰/۶۱۹	۰/۶۲۳	۰/۶۳۷

جدول ۲- خلاصه آمار استنباطی برای متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	تعداد شاخص	میانگین	انحراف معیار	MSV	پایایی ترکیبی (C.R)	آلفای کرونباخ	پایایی همگون
تولید دانش‌بنیان	۶	۳/۴۳۳	۰/۷۲۷	۰/۲۴۶	۰/۸۴۷	۰/۸۵۹	۰/۸۵۷
اشتغال‌زایی	۳	۳/۸۰۳	۰/۹۳۷	۰/۲۵۷	۰/۸۰۱	۰/۸۴۶	۰/۸۰۱
آینده‌نگری	۵	۳/۴۰۶	۰/۷۵۱	۰/۲۳۷	۰/۸۸۷	۰/۹۱۶	۰/۹۱۵
توانمندی	۳	۳/۴۴۵	۰/۷۹۱	۰/۲۳۱	۰/۸۳۲	۰/۹۰۱	۰/۸۲۳
منابع مالی	۴	۳/۴۵۴	۰/۷۶۰	۰/۲۰۹	۰/۷۴۵	۰/۸۹۷	۰/۸۲۵
ساختاری	۵	۳/۴۰۹	۰/۷۳۳	۰/۲۱۸	۰/۸۳۴	۰/۸۹۲	۰/۸۶۴
بهره‌وری	۴	۳/۳۸۲	۰/۸۴۵	۰/۲۲۱	۰/۸۸۷	۰/۹۰۱	۰/۸۹۷
عوامل محیطی	۳	۳/۴۰۵	۰/۷۴۹	۰/۲۵۸	۰/۸۹۱	۰/۹۱۲	۰/۸۰۹
کارآفرینی دیجیتال	۶	۳/۲۸۹	۰/۷۴۳	۰/۲۴۸	۰/۸۰۹	۰/۹۲۱	۰/۹۲۳
شایستگی‌های فردی	۳	۳/۳۰۹	۰/۷۳۸	۰/۳۰۷	۰/۸۵۳	۰/۸۸۳	۰/۹۰۸
توانمندسازی مدیران	۳	۳/۴۰۸	۰/۸۴۲	۰/۳۴۲	۰/۸۴۹	۰/۸۹۹	۰/۸۰۹
نگرش سیستمی	۵	۳/۸۸۷	۰/۸۴۳	۰/۳۱۱	۰/۸۵۶	۰/۸۷۶	۰/۸۶۳
توسعه منابع انسانی	۵	۳/۴۸۳	۰/۷۵۸	۰/۲۷۲	۰/۸۴۷	۰/۹۱۴	۰/۸۳۳
توسعه حرفه‌ای	۷	۳/۵۴۹	۰/۷۱۹	۰/۲۳۸	۰/۸۶۷	۰/۹۰۷	۰/۸۴۸

برای تجزیه و تحلیل سوالات در مرحله اول، کدهای ساختاری به سه روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی، جمع‌آوری و بوسیله نرم‌افزار MaxQDA مورد بررسی قرار گرفتند، و در مرحله دوم نیز برای بررسی برازش مدل به دست آمده از مرحله اول، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۱ و خودگردان‌سازی (بوت استرپینگ) یا برش جک-نایف در نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است. در نهایت برای اعتبارسنجی مدل (برازش مناسب مدل ارائه شده) از شاخص‌های برازش NPAR، P، DF، CMIN (Chi Square)، AGFI، GFI، شاخص توکر-لونیس (TLI)، شاخص بنتلر-بونت (NFI)، CFI، PNFI، RMSEA و CMIN/DF استفاده شده است.

۴. یافته‌ها

۴-۱. مرحله کیفی

بعد از انجام مصاحبه با خبرگان که منجر به شناسایی کدهای اولیه شد، این کدها با توجه به شباهت داده‌ها، در چند مقوله دسته‌بندی شدند و در نهایت مقوله‌ها نیز در طبقات ویژه‌ای قرار گرفتند. داده‌ها بعد از تحلیل مستمر و کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی، در قالب ۱۰۴ کد باز، ۶۲ مفهوم، ۱۴ مقوله و ۶ طبقه (شرایط مداخله‌گر، شرایط علی، شرایط محوری، پیامدها، راهبردها و

شرایط زمینه‌ای) سازماندهی شدند. در واقع این داده‌ها، معیارهای نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری را نمایان کرده و کم و کاستی‌ها و معایب و عوامل مداخله‌گر و شرایط علی و پیامدهای این نقشه را براساس معیارهای موجود بیان کردند و نقشه راه جدیدی برای خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری ارائه گردید. به عنوان نمونه در اولین سؤال از خبرگان در مورد مقوله‌های علی که بر خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین تأثیر دارند، پرسش شد. براساس دیدگاه خبرگان، مواردی همچون توسعه دولت الکترونیک و هوشمندسازی اداری در راستای اشتغال‌آفرینی، بهبود ساختارهای سازمانی عمودی و ناکارآمد، روش‌ها و فرآیندهای کوتاه و شفاف در تولید و اشتغال، کاهش فساد اداری و مقابله جدی با آن و در نهایت ایجاد فضای رقابتی در ارائه خدمات عمومی و دولتی به عنوان مقوله‌های علی که بر خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین تأثیرگذار هستند، شناسایی شدند.

۴-۱-۱. کدگذاری داده‌ها

هدف از این مرحله تعیین ارتباط بین مقوله‌های ایجاد شده در مرحله کدگذاری باز است. در این مرحله تمام مقوله‌ها حول یک محور متمرکز می‌شوند و شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پیامدها و راهبردها تشریح می‌گردد. کدگذاری محوری و شناسه هر کُد در ارتباط با نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین در جدول (۳) آمده است.

جدول ۳- کدگذاری محوری نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی
برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری

شناسه	مفاهیم	کدگذاری محوری
me1	توانایی تولید محصول جدید مطابق با خط‌مشی‌های دولتی	تولید دانش‌بنیان
me2	توانایی ارائه خدمات جدید مطابق با خط‌مشی‌های دولتی	
me3	تقویت مهارت مدیران در ایجاد رابطه با سرمایه‌گذاران	
me4	مهارت شناسایی هدف اصلی در راستای تولید دانش‌بنیان	
me5	رویابویی با چالش‌های غیرمنتظره و داشتن برنامه	
me6	توازن بین دانش علمی و عملیاتی در شرکت‌های دانش‌بنیان	
me7	افزایش خودکارآمدی کارکنان شرکت‌های دانش‌بنیان	اشتغال‌زایی
me8	ایجاد انگیزه کارآفرینی و توفیق‌طلبی	
me9	ارائه دانش‌آموختگان متخصص و متبحر به بازار کار در راستای اشتغال دانش‌بنیان	

شناسه	مفاهیم	کدگذاری محوری
mo1	ارتقاء و بهبود قدرت پیش‌نگری و پیش‌بینی	آینده‌نگری
mo2	شکل‌دهی آینده و اجرای توان آینده‌نگاری و آینده‌نگری	
mo3	ارتقاء حساسیت محیطی و کنشگر در نظام خط‌مشی‌گذاری	
mo4	عدم روزمرگی و اجتناب تصمیم‌سازان از حال‌نگری	
mo5	شناسایی مسائل و مشکلات بالقوه و بالفعل مربوط به شرکت‌های دانش‌بنیان	
mo6	دانش فنی مرتبط با هر نوع تولید	توانمندی
mo7	مهارت تولید محصولات جدید	
mo8	توسعه توانمندی‌های تولید دانش‌بنیان	منابع مالی
mo9	تأمین مالی از طریق تسهیلات کم‌بهره	
mo10	کمک‌های معنوی و حمایت‌های مادی دولت	
mo11	مشارکت و همکاری با شرکت‌های دیگر	
mo12	سرمایه‌گذاری خطرپذیر	
el1	توسعه دولت الکترونیک و هوشمندسازی اداری در راستای اشتغال‌آفرینی	ساختاری
el2	بهبود ساختارهای سازمانی عمودی و ناکارآمد	
el3	روش‌ها و فرایندهای کوتاه و شفاف در تولید و اشتغال	
el4	کاهش فساد اداری و مقابله جدی با آن	
el5	ایجاد فضای رقابتی در ارائه خدمات عمومی و دولتی	
el6	اهتمام مدیریت دولتی به موضوع بهره‌وری و افزایش تولید	بهره‌وری
el7	افزایش بهره‌وری منابع انسانی و تولید	
el8	اثربخشی برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها در راستای تولید و اشتغال	
el9	بهره‌وری بالای فناوری اطلاعات و تکنولوژی تولید دانش‌بنیان	
za1	سیاست‌ها و حمایت‌های دولتی از تولید دانش‌بنیان	عوامل محیطی
za2	ایجاد فرهنگ کارآفرین و دانش‌بنیان	
za3	دانش‌بنیان نمودن محیط‌های دانشگاهی	
za4	به‌کارگیری روش‌ها و ایده‌های جدید با استفاده از فناوری‌های ICT برای ایجاد نوآوری، خلق ثروت و شغل	کارآفرینی دیجیتال
za5	استفاده از فضای الکترونیک و دیجیتال در زمینه کسب‌وکار برای مشتری‌یابی	
za6	ایجاد فرصت برای استفاده از نیروهای خلاق	
za7	به‌کارگیری فرصت‌ها و آینده‌نگری	
za8	وجود نیروی انسانی خبره، بستر دیجیتال و مشتری دیجیتال	
za9	تکنیک‌های جدید افزایش سرمایه و کاهش هزینه	

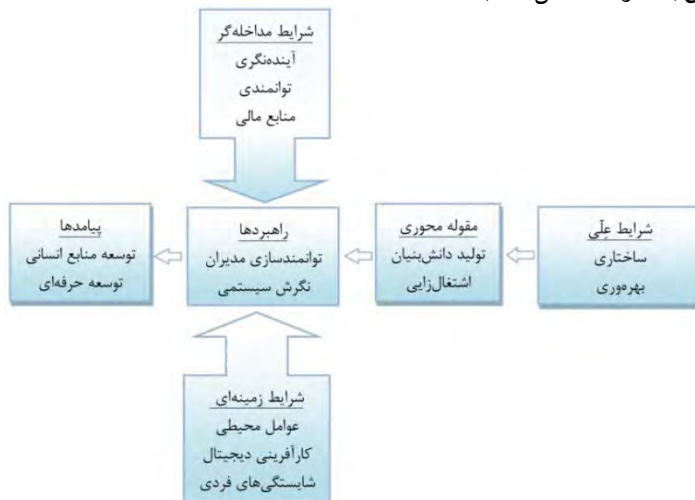
شناسه	مفاهیم	کدگذاری محوری
za10	شایستگی‌های کارآفرینی دانش‌بنیان و اشتغال آفرین	شایستگی‌های فردی
za11	بهبود مهارت‌ها و توانایی‌ها	
za12	توجه به نیازها و حمایت‌های موجود در حوزه کالای ایرانی	
ra1	آموزش دانشگاهی تصمیم‌گیران برای خط‌مشی‌گذاری دولتی و فرآیند آن در تولید دانش‌بنیان	توانمندسازی مدیران
ra2	بازآموزی دولتمردان برای درک روشن و مشخص از تولید دانش‌بنیان و اشتغال آفرین	
ra3	تولید دانش مورد نیاز کشور براساس بیانات مقام معظم رهبری	
ra4	شناسایی مسائل عمومی تولید دانش‌بنیان توسط نهادهای متولی	نگرش سیستمی
ra5	تعیین وضعیت مطلوب تولید دانش‌بنیان و آینده‌نگری	
ra6	داشتن نگاه سیستمی به جای نگاه بخشی	
ra7	شناسایی مسائل تولید دانش‌بنیان و اشتغال آفرین به صورت جامع	
ra8	هماهنگی بین منابع اطلاعاتی و شرکت‌های دانش‌بنیان	
p1	ارتقای مهارت‌های کارکنان شرکت‌های دانش‌بنیان	توسعه منابع انسانی
p2	افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری	
p3	گسترش مدیریت دانش و تسهیم اطلاعات در میان کارکنان	
p4	کاهش هزینه‌های منابع انسانی با افزایش تولید دانش‌بنیان	
p5	ارتقای رضایت عمومی از تولید دانش‌بنیان	
p6	شناسایی و نظرخواهی از گروه‌های هدف و ذی‌نفع به خط‌مشی در حوزه تولید دانش‌بنیان	توسعه حرفه‌ای
p7	یادگیری از تجارب و نتایج سایر خط‌مشی‌ها یا تجربه سایر کشورها	
p8	انعطاف‌پذیری و قابلیت به‌روزرسانی و نوآوری در خط‌مشی‌های دولتی تولید دانش‌بنیان	
p9	سادگی، شفافیت و قابلیت ردیابی و کنترل خط‌مشی دولتی در تولید دانش‌بنیان	
p10	شایستگی خط‌مشی‌گذاران بخش شرکت‌های دانش‌بنیان	
p11	استفاده از رهنمودهای مقام معظم رهبری در حوزه تولید دانش‌بنیان	
p12	جابجایی دیدگاه‌های خط‌مشی‌گذاران همزمان با پویایی‌های جامعه	

<http://stun.qom.ac.ir>

۴-۱-۲. کدگذاری گزینشی (انتخابی)

در نهایت و در مرحله کدگذاری گزینشی یا انتخابی، با توجه به نتایج کدگذاری‌های باز و محوری، مقوله‌های اصلی پژوهش انتخاب و به صورتی کاملاً نظام‌مند به یکدیگر مرتبط شد. به بیانی دیگر، برای یکپارچه‌سازی و ارائه نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری، بعد از شناسایی کدهای باز و محوری در قالب پارادایمی نظام‌مند و براساس نظریه‌سازی داده‌بنیاد، پالایش الگوی طراحی شده صورت گرفت و مدل

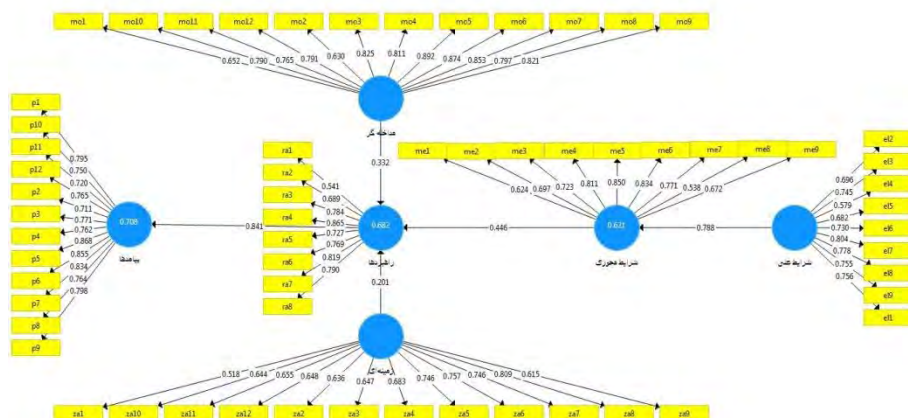
نهایی پژوهش به صورت شکل (۱) بدست آمد.



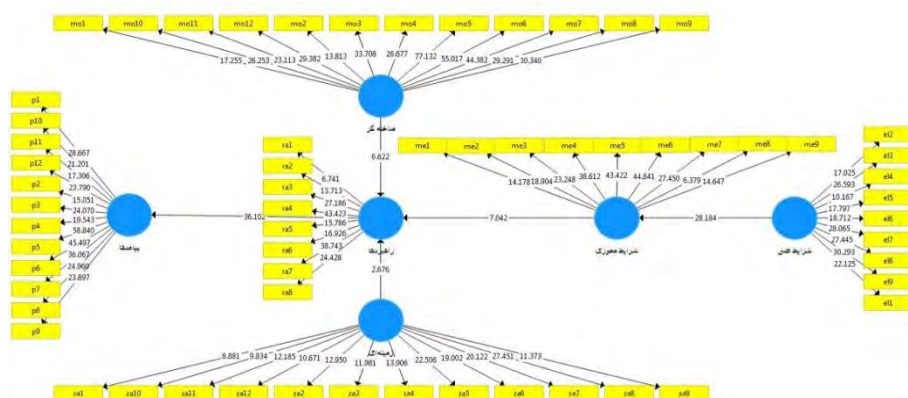
شکل ۱- مدل پارادایمی نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین
براساس منویات مقام معظم رهبری

۴-۲. مرحله کمی

مرحله دوم پژوهش به صورت کمی انجام گرفته که برای یافتن میزان تأثیر هر یک از متغیرها، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و از نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است. نتایج این مدل در دو حالت: الف) حالت استاندارد با استفاده از تکنیک حداقل مربعات جزئی، و ب) حالت معناداری T با استفاده از تکنیک خودگردان‌سازی (بوت استرپینگ) یا برش جک-نایف در شکل‌های (۴ و ۵) ارائه شده است.



شکل ۲- مدل کلی پژوهش با تکنیک حداقل مربعات جزئی



نوع شاخص برازش	شاخص	مدل اصلی	نتیجه برازش
شاخص مطلق	CMIN (Chi Square)	۱۲۸۱۳/۵۶	برازش مناسب
	AGFI (بزرگ‌تر از ۰/۹)	۰/۹۱	برازش مناسب
	GFI (بزرگ‌تر از ۰/۹)	۰/۹۱	برازش مناسب
شاخص تطبیقی یا نسبی	TLI (بزرگ‌تر از ۰/۹)	۰/۹۲	برازش مناسب
	NFI (بزرگ‌تر از ۰/۹)	۰/۹۲	برازش مناسب
	CFI (بزرگ‌تر از ۰/۹)	۰/۹۲	برازش مناسب
شاخص مقتصد	PNFI (بزرگ‌تر از ۰/۵)	۰/۵۶۵	برازش مناسب
	PCFI (بزرگ‌تر از ۰/۵)	۰/۶۱۲	برازش مناسب
	RMSEA (کوچک‌تر از ۰/۰۸)	۰/۰۶۶	برازش مناسب
	CMIN/DF (کوچک‌تر از ۵)	۲/۷۹۷۱	برازش مناسب

طبق نتایج به دست آمده برای شاخص‌های برازش تطبیقی، شاخص‌های CFI، IFI و GFI دارای برازش مناسب هستند. همچنین ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، نیز ۰/۰۶۶ بدست آمده که کمتر از ۰/۰۸ می‌باشد. بنابراین، برازش مدل، مطلوب ارزیابی شده و می‌توان به نتایج حاصل از آن اتکاء نمود.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش گردید در چارچوبی یکپارچه، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های نقشه راه خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین براساس منویات مقام معظم رهبری با رویکردی آمیخته مورد مطالعه قرار گرفته و این روابط در قالب الگویی تبیین گردند. مجموعه داده‌های بدست آمده و عوامل دخیل در این الگو، بعد از تحلیل مستمر و کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی، در قالب ۱۰۴ کد باز، ۶۲ مفهوم، ۱۴ مقوله و ۶ طبقه (مقوله محوری، شرایط مداخله‌گر، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها، پیامدها) و براساس رویکرد سامان‌مند سازماندهی شدند. بر همین اساس و مطابق با یافته‌های پژوهش و با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، از بین شاخص‌های مربوط به عوامل علی، شاخص «افزایش بهره‌وری منابع انسانی و تولید» (el7) به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شاخص با ضریب مسیر ۰/۸۰۴ شناسایی گردید. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های عباسی و دانش‌فرد (۱۴۰۰)، باقرصاد و همکاران (۱۳۹۹) و فیشر و همکاران (۲۰۲۲) همگرا می‌باشد. مطابق با یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین شاخص مؤلفه مقوله محوری، شاخص «رویارویی با چالش‌های غیرمنتظره و داشتن برنامه» (me5) با ضریب مسیر ۰/۸۵۰ می‌باشد که در تحقیقات کریمی طارانی و همکاران (۱۳۹۸)، باقرصاد و همکاران (۱۳۹۹)، ای‌شولا و همکاران (۲۰۱۹) نیز به چشم می‌خورد. مهم‌ترین شاخص مقوله‌های زمینه‌ای نیز شاخص «وجود نیروی انسانی خبره،

بستر دیجیتال و مشتری دیجیتال» (za8) با ضریب مسیر ۰/۸۰۹ شناسایی شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کهن خاکی و همکاران (۱۴۰۰)، نوروز زاده و همکاران (۱۴۰۰)، کشاورزبان و همکاران (۱۳۹۸)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۷) و کیم و لی (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. مهم‌ترین شاخص مقوله‌های مداخله‌گر نیز شاخص «شناسایی مسائل و مشکلات بالقوه و بالفعل مربوط به شرکت‌های دانش‌بنیان» (mo5) با ضریب مسیر ۰/۸۹۲ شناخته شد. این یافته‌ها نیز با نتایج پژوهش‌های باقرصاد و همکاران (۱۳۹۸) و فیشر و همکاران (۲۰۲۲) هم‌راستا می‌باشد. مهم‌ترین شاخص مقوله راهبردها نیز شاخص «شناسایی مسائل عمومی تولید دانش‌بنیان توسط نهادهای متولی» (Ia4) با ضریب مسیر ۰/۸۶۵ شناسایی گردید. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کهن خاکی و همکاران (۱۴۰۰)، کریمی طرارانی و همکاران (۱۳۹۸) و باقرصاد و همکاران (۱۳۹۹) همگرا است. در نهایت با توجه به نتایج پژوهش، مهم‌ترین شاخص مقوله پیامدها نیز شاخص «ارتقای رضایت عمومی از تولید دانش‌بنیان» (p5) با ضریب مسیر ۰/۸۶۸ شناسایی گردید. این یافته‌ها با نتایج پژوهش نوروز زاده و همکاران (۱۴۰۰) و کشاورزبان و همکاران (۱۳۹۸) در یک راستا قرار دارد.

۶. پیشنهادهای کاربردی

براساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود با توجه به تأکید بر حمایت از تولید دانش‌بنیان از سوی مقام معظم رهبری در بیانات مختلف، خط‌مشی‌گذاری‌های دولتی با رویکرد توجه به تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین مورد توجه دستگاه‌های ذی‌ربط قرار گیرد. همچنین به دولت‌مردان پیشنهاد می‌شود که حمایت‌های لازم را به نفع شرکت‌های دانش‌بنیان انجام دهند. به شرکت‌های دانش‌بنیان نیز پیشنهاد می‌شود، با استفاده از مدرسین مجرب و با سابقه و بکارگیری مربیان دارای تحصیلات بالا، مقدمات تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین مبتنی بر علم و تخصص را فراهم آورند و بهره‌وری منابع انسانی و تولید را از طریق توجه به دانش و تخصص ارتقاء دهند. در نهایت باید اذعان کرد که حرکت در مسیر توسعه پایدار و ایجاد اشتغال‌آفرینی و استفاده از تولید دانش‌محور، نیاز به تلاش و سرمایه‌گذاری دارد و جوانان و استارت‌آپ‌های نوپا، نیاز به حمایت ویژه‌ای از سوی تصمیم‌گیران بخصوص بخش دولتی دارند. شرکت‌های دانش‌بنیانی که محصولات و خدمات دانش‌محور تولید می‌کنند، برای افزایش تولیدات خود و اشتغال‌زایی و تولید ارزش افزوده و ثروت، نیاز به حضور در بازارهای بین‌المللی خواهند داشت که این حضور، مخاطرات خاص خود را دارد که اتخاذ خط‌مشی‌های مناسب و مطلوب برای حمایت از آنها می‌تواند به بهبود شرایط آنها و تداوم رقابت در بازارهای خارجی کمک نماید. همچنین پیشنهاد می‌گردد با تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، آمادگی مقابله با چالش‌های غیرمنتظره را داشته باشند. مسئولان ذی‌ربط با اقدام به

بازنگری در محتوای آموزشی موجود و سازگاری این محتواها با نیازهای بازار می‌توانند بر چالش‌های محیطی موجود فائق آیند. استفاده از فناوری‌های جدید و مهارت کار با نرم‌افزارهای روزآمد در جهت تولید دانش بنیان و اشتغال‌آفرین مبتنی بر مهارت‌های فردی و گروهی و همچنین بازآفرینی نقش دولت در خط‌مشی‌گذاری‌های دولتی با رویکرد توجه بیشتر به تولید دانش بنیان و اشتغال‌آفرین نیز می‌تواند در این راستا تاثیرگذار باشد.

۷. سپاسگزاری

بدینوسیله از کلیه کارکنان شرکت‌های دانش بنیان و پارک علم و فناوری استان اردبیل که در تهیه و تدوین این پژوهش صمیمانه همکاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- انگزی قدس، ا.، گیوریان، ح.، دانش فرد، ک. (۱۴۰۱). طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری مبتنی بر ارتقاء مشارکت کارکنان در سازمان‌های دانش‌بنیان. *انجمن علوم مدیریت ایران*، ۱۷(۶۸): ۱۲۳-۱۰۳.
- باقرصاد، و.، داوری، ع.، سفیدبری، ل. (۱۳۹۹). سیاست‌گذاری مبتنی بر اکوسیستم کارآفرینی و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان. *کارافن*، ۱۷(ویژه‌نامه): ۸۵-۶۷. <https://doi.org/10.48301/kssa.2021.128453>
- باقرنژاد، پ.، طاهرپورکلاتری، ح.، بهرامی، ح. (۱۳۹۷). شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر اجرای موفق خط‌مشی عمومی حمایت از شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان در کشور. *مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی*، ۱(۲): ۲۶-۱.
- باقری، م.، پورعزت، ع. (۱۳۹۲). ارائه الگوی ترکیبی برای خط‌مشی‌گذاری در عرصه دانشگاه. *مجلس و راهبرد*، ۲۰(۷۴): ۱۹۹-۱۶۵.
- خورسند، ا.، ملک‌آرا، م.، کوثری، ک. (۱۴۰۰). راهکارهای توسعه کارآفرینی و اشتغال‌زایی در مناطق محروم. *رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۵(۱۶): ۱۲۰-۱۱۴.
- رمضان‌پور، د.، عبدالحمید، م.، رضاییان، ع. (۱۳۹۸). ارائه الگوی عوامل مؤثر بر مشارکت نخبگان در فرایند تدوین خط‌مشی‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۱۲(۴۶): ۶۷-۳۷. <https://doi.org/10.22111/jmr.2020.29228.4507>
- عباس‌پور، غ.، سلاجقه، غ.، بیگزاده عباسی، ف.، شیخی، ا. (۱۳۹۶). سنجش میزان اجرای خط‌مشی‌های حمایتی دولت از شرکت‌های دانش‌بنیان (مطالعه موردی: استان‌های فارس، خراسان رضوی، گیلان و هرمزگان). *مدیریت دولتی*، ۹(۳): ۴۲۶-۴۰۳. <https://doi.org/10.22059/jipa.2017.243215.2113>
- عباسی، ح.، دانش فرد، ک. (۱۴۰۰). الگوی مشارکت شهروندان در مرحله اول خط‌مشی‌گذاری عمومی (شناسایی مسائل عمومی). *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۱(۴۲): ۲۷۰-۲۴۷.
- قاسمی، م.، فقیهی، م.، علیزاده، پ. (۱۳۹۷). الزامات دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان در سطح کلان: تحلیل چارچوب قانونی در ایران و ارائه توصیه‌های سیاستی. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۸(۶۸): ۱۵۲-۹۹. <https://doi.org/10.22054/joer.2018.8689>
- کاظمی‌نژاد، س.، الوانی، س.، جمشیدی‌اوانکی، م. (۱۳۹۸). طراحی مدل اجرای خط‌مشی‌های انرژی در بخش نفت و گاز. *مطالعات اقتصاد انرژی*، ۱۵(۶۲): ۶۸-۳۷.
- کریمی طرارانی، م.، شریف‌زاده، ف.، سیدنقوی، م.، حسین‌پور، د. (۱۳۹۸). الگوی خط‌مشی‌گذاری پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان در نظام نوآوری، نوآوری و ارزش‌آفرینی، ۱۳(۷): ۵۴-۴۰.
- کریمی طرارانی، م.، شریف‌زاده، ف.، سیدنقوی، م.، حسین‌پور، د. (۱۳۹۹). تأثیر عوامل مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان بر بروندادهای آن‌ها با نقش میانجی کارآفرینی فناورانه. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۳(۴): ۱۲۶-۹۹. <https://doi.org/10.22034/jipas.2021.273115.1159>
- کشاورزبان، ح.، کابارن‌زاد قدیم، م.، کولوبندی، ع.، ادب، ح. (۱۳۹۸). طراحی الگوی کارآفرینی دیجیتالی در شرکت‌های دانش‌بنیان. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۲(۴): ۶۷۸-۶۵۸.
- <https://doi.org/10.30510/psi.2021.310880.2560>
- کهن‌خاکی، س.، رحیمی، ف.، غفاری، ب. (۱۴۰۰). ارائه الگوی تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین مبتنی بر مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مورد مطالعه سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای. *مهارت‌آموزی*، ۱۰(۳۷): ۳۴-۷.

نوروز زاده، ا.، اسکندرپور، ب.، وظیفه‌دمیرچی، ق. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب و الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت. *مطالعات/انقلاب اسلامی*، ۱۸(۶۷): ۹۹-۱۲۰.

References

- Abbasi, H. & Daneshfard, K. (2021). The Pattern of Citizen Participation in the First Stage of Public Policy (Identification of public Issues). *Strategic Management Studies of National Defence Studies*, 11(42): 270-247. [in persian]
- Abbaspour, G., Salajeghe, S., Bigzadeh Abbasi, F. & Sheikhy, A. (2017). Assessing the Implementation of the Government's Supportive Policies in Favor of Knowledge-Based Companies (A Case study: Fars, Razavi Khorasan, Gilan & Hormozgan Provinces). *Journal of Public Administration*, 9(3): 403-426. <https://doi.org/10.22059/jipa.2017.243215.2113>. [in persian]
- Angazi Ghods, A., Givarian, H. & Daneshfard, K. (2023). Designing a science and technology policy model to promote participation in knowledge-based organizations. *Iranian journal of management sciences*, 17(68): 103-123. [in persian]
- Bagheri, M. & Pourezat, A. (2013). An Integrative Model for Policymaking in Universities. *Majlis and Rahbord*, 20(74): 165-199. [in persian]
- Baghernezhad, P., Taherpoor Kalantari, H. & Bahrami, H. (2019). -Identifying and evaluating the factors affecting the successful implementation of the public policy of supporting knowledge-based companies and institutions in the country. *Innovation Management in Defensive Organizations*, 1(2): 1-26. [in persian]
- Baghersad, V., Davari, A. & Sefidbari, L. (2021). Policy-making based on entrepreneurship ecosystem and development of knowledge-based companies. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 17 (Special Issue): 67-85. <https://doi.org/10.48301/kssa.2021.128453>. [in persian]
- Charmaz, K. (2014). Grounded Theory in Global Perspective: Reviews by International Researchers. *Qualitative Inquiry*, 20(9): 1074-1084. <https://doi.org/10.1177/1077800414545235>.
- Dey, P.K., Malesios, C., De, D., Chowdhury, S. & Abdelaziz, F.B. (2019). Could lean practices and process innovation enhance supply chain sustainability of small and medium-sized enterprises? *Business Strategy and the Environment*, 28(4): 582-598.
- Fischer, L., Heckemeyer, J.H., Spengel, C. & Steinbrenner, D. (2022). Tax policies in a transition to a knowledge-based economy: The effective tax burden of companies and highly skilled labor. *Interfax*, 50(4): 286-321.
- Ghasemi, M., Faghihi, M. & Alizadeh, P. (2018). Requirements to Achieve a Knowledge-Based Economy at Macro Level: Analysis of Legal Framework in Iran and Some Policy Recommendations. *Economics Research*, 18(68): 99-152. <https://doi.org/10.22054/joer.2018.8689> [in persian]
- Ishola, A., Nwogwugwu, N., Nwaodike, C. & Ogu, M. (2019). Legislators Role in Problem Identification and Agenda Setting in Public Policy Process in Nigeria. *International Journal of Advanced Research*, 7(3): 458-466.
- Karimi Tararani, M., Sharifzadeh, F., Seyed Naghavi, M. & HosseinPour, D. (2019). Policy pattern of Park Science and technology and company Knowledge base. *Journal of Innovation and Value Creation*, 13(7): 40-54. [in persian]

- Karimi Tararani, M., Sharifzadeh, F., Seyed Naghavi, M. & Hosseinpour, D. (2019). The effect of effective factors on the policy making of science and technology parks and knowledge-based companies on their outputs with the mediating role of technological entrepreneurship. *Iranian Public Administration Studies*, 3(4): 99-126. <https://doi.org/10.22034/jipas.2021.273115.1159> [in persian]
- Kazeminezhad, S., Alvani, M. & Jamshidi Avanaki, M. (2019). Designing a Model for Implementing Energy Policies in the Oil and Gas Sector. *QEER*, 15(62): 37-68. [in persian]
- Keshavarzian, H., Kabaran Zad Ghadim, M., Koloobandi, A. & Adab, H. (2019). Designing a digital entrepreneurship model in knowledge-based companies. *Political Sociology of Iran*, 2(4): 658-678. <https://doi.org/10.30510/psi.2021.310880.2560> [in persian]
- Khorsand, A., MalekAra, M. & Kosari, K. (2022). Solutions for the development of entrepreneurship and job creation in deprived areas. *Scientific journal of modern research approaches in management and accounting*, 5(16): 114-120. [in persian]
- Kim, Y.K. & Lee, K. (2015). Different impacts of scientific and technological knowledge on economic growth: Contrasting science and technology policy in East Asia and Latin America. *Asian Economic Policy Review*, 10(1): 43-66. <https://doi.org/10.1111/aepr.12081>.
- Kohankhaki, S., Rahimi, F. & Ghaffari, B. (2021). Presenting a production model of knowledge-based and job-creating based on technical-vocational skills (Case study: Technical and Vocational Education Organization). *JST*, 10(37): 7-34. [in persian]
- Kurantın, N., Jameson, J. & Osei-Hwedie, B.Z. (2021). *Knowledge-Based Economy: Enhancing Economic Growth and Development of Human Capital Through Information and Communications Technology Education*. In: Comparative Advantage in the Knowledge Economy. Emerald Publishing Limited, 11(16): 14-43.
- Norouzzadeh, A., Iskanderpur, B. & Vazifeh Damirchi, Q. (2021). Pathology of public policy-making with the approach of the statement of the second step of the revolution and the Islamic-Iranian model of progress. *Scientific Quarterly of Islamic Revolution Studies*, 18(67): 120-99. [in persian]
- Ramezanpour, D., Abdolhamid, M. & Rezaeian, A. (2020). Presentation of a Model for Factors Affecting the Participation of Elites in the Process of Formulation of the Public Policymaking of the Islamic Republic of Iran. *Public Management Researches*, 12(46): 37-67. <https://doi.org/10.22111/jmr.2020.29228.4507>. [in persian]
- Rottle, T. & Kleibert, J.M. (2022). Circulation and containment in the knowledgebased economy: Transnational education zones in Dubai and Qatar. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 44(1): 1175-1184.
- Van de Goor & et al. (2017). Determinants of evidence use in public health policy making: Results from a study across six EU countries. *Health policy (Amsterdam, Netherlands)*, 121(3): 273-281.